

آشنایی با روزهای ملی

یادداشت‌ها

به بهانه‌ی سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی
تداوم انقلاب اسلامی تا بی‌نهایت...

چرا اسلامی؟ پاسخ این پرسش هم برای ما نسبتاً روشن بود، اما نسلی که آن دوره را تجربه نکرده است، کمتر می‌تواند این عوامل را دلیل حرکتی سراسری و آن هم از جنس انقلاب بداند. درست مثل ما که دوره‌ی قجرها را تنها در کتاب‌ها مطالعه کرده‌ایم، اما به راحتی می‌توانیم بگوییم که ظلم و ستم، چپاولگری، بی‌عدالتی، فساد و تباهی قجری‌ها را با عمق وجود درک کرده‌ایم. نسل امروز نیز هم‌چون گذشته ما هستند. نمی‌توان روی گذشته خود خط کشید و آن را نادیده گرفت. چون انسان هویت تاریخی و اجتماعی خود را نمی‌تواند از خاطر محو سازد. او زنده است چون هویتی داشته که با پلیدی‌هایش مبارزه و با خوبی‌هایش نگاه توسعه‌ای داشته است. لذا باید راه‌حلی را یافت که نسل امروز را در پاسخ به چرایی انقلاب اقناع سازد. نسل امروز به دنبال ریشه‌های عمیق خود است و دیگر به سادگی نمی‌توان او را قانع ساخت.

اما اسلامی بودن انقلاب، مردم ایران عموماً شیعه‌ی علوی و حسینی هستند و رهبری پیشوایان مسلمان، صالح و متقی دینی خویش را با عمق جان پذیرفته‌اند. اسلام را تنها مکتب کامل و جامع و در عین حال نجات‌بخش می‌دانند. آن را مکتبی الهی می‌دانند که پشتوانه‌اش وحی است و به‌طور کامل بر پیامبر انزال یافته و او نیز مأمور ابلاغ و تبلیغ این مکتب است. این نوع نگاه، باور و اندیشه، دیگر در سطح تحلیل فردی نمی‌گنجد. این نگرش حاصل هویت تاریخی و دینی اوست. چنین تحلیلی حاصل تعمیم‌های فردی نیست و دقیقاً حاصل تعمیم‌های اجتماعی اوست که مستمراً از گذشته‌های دور تاکنون دوام داشته است. این بدان معنی نیست که مردم و نسل گذشته، مثلاً ظلم و تعدی را فقط در اواخر رژیم گذشته به حد غیرقابل تحملی دیده‌اند. این موضوع فرایند مستمری بوده که دائم هم افزایی نیز داشته است. پس نگاه مردم حاصل فرایندی عمقی است که از گذشته‌های دور در جان آنان ریشه داشته است می‌توان چنین برداشت کرد که واکنش مردم نسبت به انقلاب و اسلامی بودن آن، واکنشی طبیعی بوده است، زیرا هویت مدنی و تاریخی او را به شدت تهدید می‌کرده است. واکنش در مقابل این تهدید بزرگ، در طبیعت انسان آزاده و مسلمان نهفته است و بسیار طبیعی است که برای حفظ موجودیت خود تلاشی بی‌حد و حصر و بی‌وقفه کند تا تهدید را برطرف سازد و برای جامعه فرصت به وجود آورد.

بسیاری از دانش‌آموزان و برخی معلمان، هنوز در این دوران دارای سوالات متعددی هستند. یکی می‌پرسد چرا انقلاب کردید و دیگری می‌خواهد بداند چرا اسلام را به میدان آوردیم. پاسخ به این پرسش‌ها اهمیت بنیادی دارد. نسلی که انقلاب کرد، دارای انگیزه‌های متعالی و بزرگی بود که درک آن برای نسل جدید گاهی دشوار می‌نماید. حتی آنان که در دوره‌ی انقلاب مشارکت فعالی داشته‌اند، در بازنگری گذشته، نکات جدیدتری را می‌یابند که احتمالاً با گذشته متفاوت است. آنان که امروز چرخه‌ی انقلاب را به دست دارند و در جرگه‌ی نخبگان و سیاست‌ورزان نظام هستند، و آنان که در مقام ناظر بر تحولات انقلاب، به گذشته می‌نگرند، ممکن است تفاوت دیدگاهی و اندیشه‌ای داشته باشند. این بدان معناست که جایگاه و منزلت اجتماعی در دیدگاه‌ها اثر می‌گذارد و نگرش‌ها را دستخوش تغییر می‌کند.

پاسخ این پرسش که چرا انقلاب شد، برای گذشتگان انقلابی بسیار روشن بود. اما نسل امروز با یک سلسله پیچیدگی‌ها روبه‌روست که تحلیل انقلاب با روش‌های بعضاً ناکارآمد را به سادگی درک نمی‌کند از این رو لازم است به روش‌ها، ابزارها و شیوه‌های تازه و کارآمد روی آورده شود، نسل نو و حاضر در مقام سیاستمدار، خواستار تحقق آرمان‌هایش است و طبعاً بر تحقق آن‌ها پای می‌فشارد و سعی دارد که واقعیت خارجی را تغییر دهد. ولی در مقام دانشمند، تنها کوشش او شناخت بدون دخل و تصرف (حتی‌المقدور) در امر واقع شده است. در مقام سیاستمدار، تحلیل فرد جانب‌دارانه است (و باید هم‌چنین باشد) و در مقام دانشمند، بی‌طرفانه (اگر چنین بشود). در باور ما این سؤال که چرا انقلاب شد، پاسخ روشنی داشت. علت وقوع انقلاب را به عوامل زیر نسبت می‌دادیم:

۱. ظلم و ستم رژیم و وابستگی آن به خارج؛
۲. چپاول منابع طبیعی از سوی بیگانگان و ایادی داخلی‌شان؛
۳. بی‌عدالتی در تمام عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی؛
۴. فساد و تباهی ایادی و خاندان پهلوی و اشاعه‌ی آن در سطوح گوناگون اجتماعی و این که مردم دیگر تاب تحمل این همه فساد و تباهی را نداشتند.

۵۰

رشد آموزش عالی
دوره‌ی ۱۴
شماره‌ی ۲
زمستان ۱۳۸۹

واکنش در مقابل هر خطری به دو عامل بستگی دارد: یکی واقعی بودن آن و دیگری اهمیت آن. انقلاب اسلامی حاصل خطرانی واقعی و عمیق بود که هویت این مردم را زیر سؤال می‌برد. به دلیل آن که حساس‌ترین موضع این مردم، یعنی دین را نشانه گرفته بود، اهمیت زیادی داشت. این اهمیت و آگاهی از آن موجب انقلاب اسلامی شد؛ آن هم از نوع ناب و محمدی‌اش.

بنابراین پرسش آغازین به این صورت بیان می‌شود که: «کدام خطر، بقا و حیات جامعه‌ی ایران را تهدید کرده بود که جامعه برای رهایی از آن انقلاب را تجربه کرد؟» در تبیین این انقلاب براساس آنچه گذشت می‌توان گفت: از زاویه‌ی محض اقتصادی، دهه‌ی پنجاه، به‌ویژه پس از افزایش قیمت نفت، دوران شکوفایی (حداقل در ارقام و اعداد) اقتصاد محسوب می‌شد و رشد اقتصادی روزافزون بود، اما از این رشد مردم بهره‌ای نمی‌بردند. مردم به کار خود مشغول بودند و رشد را حس نمی‌کردند. چون رشدی که نتیجه‌ی آن توسعه‌ی همه‌جانبه و مردم‌گرا باشد، اتفاق نیفتاده بود. لذا ریشه‌ی انقلاب، اقتصادی محض نبود.

از زاویه‌ی فرهنگی، اجتماعی و ساختاری نیز افزایش تحصیلات، شهرنشینی، صنعتی شدن و ارتباطات، بهبود اوضاع را نشان می‌دادند.

اما ابعاد اجتماعی و فرهنگی هر کدام به تنهایی مشکلی را حل نمی‌کنند. جامعه متشکل از چند جزء است که برای بقای جامعه لازم و ملزوم یکدیگرند. این اجزا می‌باید با یکدیگر انطباق و هم‌خوانی داشته باشند و مجموعاً کل واحدی را بسازند.

جامعه‌ی آن روز بنابر علل خارجی و داخلی از درون در حال فروپاشی بود و دستگاه حاکم نتوانست آن را درک کند. اما مردم به فراست آن را فهمیده بودند و در مقابل این خطر واکنش حساب شده و برنامه‌ریزی شده‌ای از خود بروز دادند. این برنامه‌ریزی دشوار با تدابیر الهی امام خمینی (ره)، به عنوان رهبر دینی (دین به معنای همه‌ی ابعاد زندگی) شکل گرفت و به سامان رسید. در آن شرایط، هم‌چنین آینده‌نگری و درک درستی، آن‌چنان که امام عزیز درک کرده بودند، نداشت. امام تنها عامل موفقیت را عمل به احکام اسلام و اجرای آن در سطح جامعه می‌دانست و این نگرشی بود که برای تحقق آن به سرمایه‌گذاری زیادی نیاز بود. امام از دوران جوانی مشکل را دریافته بود و دیدیم که برنامه‌هایش به ثمر رسید.

نسل امروز هم‌چون نسل دیروز است. باید احساس خطر کند و درک صحیحی از تحولات اجتماعی داشته باشد. اگر دیروز خطر





عمدتاً داخلی بود، امروز خطر بزرگتر و عمیق‌تر است؛ زیرا دست‌آورد انقلاب در کار است. صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها برنامه‌ی مفصلی چیده‌اند تا این انقلاب که ریشه‌ی نفوذ آن‌ها را قطع و یا حداقل بسیار تضعیف کرده است، ساقط شود. و درست‌هدفی را انتخاب کرده است که مردم بدان حساسیت دارند. جوان‌ها و انگیزه‌های اسلامی آنان را هدف قرار گرفته است اگر آمریکایی‌ها موفق شوند این دو عامل را خنثا کنند، دقیقاً به هدف زده‌اند و انقلاب با خطرات بسیار جدی‌تری نسبت به گذشته روبه‌رو خواهد بود. نسل جوان این مهم را باید درک کند. اگر او با همه‌ی وجود این موضوع را درک کند و بپذیرد، انقلاب از همه‌ی خطرات مصون خواهد ماند.

پس می‌بینید که حفظ انقلاب اسلامی، از خود انقلاب کردن به مراتب دشوارتر و مسئولیت‌زاتر است. به همین سبب، اگر مسئولان کشور در این جریان بتوانند وظیفه‌ی دشوار خود را به درستی انجام دهند، به مراتب کاری بزرگ‌تر و خطرناک‌تر از گذشتگان کرده‌اند. اکنون روشن می‌شود که این همه جنایت و خیانت بین‌المللی آمریکایی‌ها چرا متوجه ایران اسلامی است. یعنی اسلامیت انقلاب، رهبری جامعه و درک درست مردم از تداوم و حفظ انقلاب، سه عامل اصلی سرنگونی صهیونیست‌ها و آمریکایی‌های صهیونیست زده خواهد بود. این است که می‌گوییم آمریکا تا زمانی که این سه عامل به صورت یک دستگاه و نظام منسجم عمل می‌کنند، هیچ غلطی نمی‌تواند بکند و اتفاقاً آن‌ها نیز دقیقاً روی همین سه عامل اصلی تمرکز کرده‌اند. این است که می‌گوییم مسئولیت نسل جدید به مراتب سخت‌تر و در عین حال خطرناک‌تر است.

جوانان امروز آگاه‌ترند، پیچیده‌ترند و پیچیدگی‌ها را درک می‌کنند. حساس‌ترند چون سابقه و هویتی عمیق را به همراه خود دارند. پویاترند چون باید واکنش‌های بسیار زیادتر و در عین حال حساب‌شده‌تری از خود بروز دهند. آماده‌ترند، زیرا مردم و مسئولان با هم در توسعه مشارکت داشته‌اند. متدین‌ترند، زیرا رهبران گذشته‌ی انقلاب، سرمایه‌گذاری فرهنگی عظیمی کرده‌اند تا در آن‌ها این اسلام ریشه دواند و جوانان به خوبی می‌توانند این سرمایه‌ی اجتماعی و این سرمایه‌ی فرهنگی را درک کنند و به بازتولید آن دست بزنند. از این‌روست که خوش‌حالیم و به یقین می‌دانیم که این انقلاب تا زمانی که آن سه عنصر را در خود دارد، به مقصود نهایی نزدیک‌تر و نزدیک‌تر خواهد شد و دشمن در مقابل جلال و جبروت آن زانو خواهد زد.



به مناسبت تأسیس کمیته‌ی امداد امام خمینی،
روز احسان و نیکوکاری

از سال ۱۳۶۹، هر سال در اسفندماه و در آستانه‌ی عید نوروز و بهار طبیعت، مردم مهربان و نیکوکار کشور ما، در هفته‌ی احسان و نیکوکاری از ۱۴ اسفند، در همایشی عظیم که تبلور نوع‌دوستی،

نیکوکاری و مهرورزی آنان است، دست‌های پر محبت و عاطفه‌ی خویش را بر سر خانواده‌های نیازمند و کودکانشان می‌کشند. جشن نیکوکاری صرف‌نظر از هدایایی که طی آن جمع‌آوری می‌شود، به لحاظ معنوی، اجتماعی و فرهنگی دارای کارکردهای ویژه‌ای است که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به گسترش و تقویت هرچه بیشتر فرهنگ و احسان و انفاق، کمک به هم‌نوع و انسجام و سرمایه‌ی اجتماعی اشاره کرد.

نوع‌دوستی و کمک به هم‌نوع از دیدگاه آیین الهی و جهانی اسلام، امری ذاتی و فطری است. در واقع خداوند متعال، تمایل به کمک کردن به هم‌نوعان را، به صورت یک شناخت در قلب هر بشری الهام کرده است. بدین مفهوم که عمل نیکوکاری به صورت نور الهی در قلب و سرشت انسان وجود دارد.

ره نیک‌مردان آزاده گیر
چو استاده‌ای دست افتاده گیر

سعدی

شکرانه‌ی بازوی توانا بگرفتن دست ناتوان است

در ۱۴ اسفندماه ۱۳۵۷، فرمان امام خمینی (ره) مبنی بر تشکیل کمیته‌ی امداد صادر شد. این نهاد برای ایجاد رفاه و برقراری تسهیلاتی در امر کمک‌رسانی به محرومان جامعه دایر شد؛ نهادی انقلابی که اکنون به نام «کمیته‌ی امداد امام خمینی» مشغول فعالیت است.

سابقه‌ی کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) به سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران - حدوداً سال‌های ۱۳۴۲ و ۱۳۴۳ باز می‌گردد. تعدادی از انقلابیون که در زمره‌ی یاران امام (ره) بودند، مأموریت یافتند که به خانواده‌های زندانیان، نیازمندان و مبارزین رسیدگی کنند. امدادگری، به‌ویژه در دوران اوج‌گیری انقلاب طی سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ که اعتصاب و تحصن همه‌جا را فرا گرفت، به منظور حمایت از اعتصاب‌کنندگان و زندانیان ادامه یافت.

با پیروزی انقلاب، حمایت از نیازمندان در صدر برنامه‌ها قرار گرفت و کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) با صدور فرمان ایشان تشکیل شد. این نهاد به منظور کمک به خانواده‌های محروم، به‌خصوص برای خود کفا کردن آن‌ها، تأسیس شد. کمیته‌ی امداد از بزرگ‌ترین نهادهای تأمین اجتماعی است و در خدمت گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه قرار دارد. این کمیته خدمات و فعالیت‌های گسترده‌ای را به افراد محروم جامعه ارائه می‌دهد که از جمله‌ی آن‌ها پرداخت وام قرض‌الحسنه و تهیه‌ی مواد اولیه و ابزار کار به منظور کسب درآمد توسط اقشار بی‌بضاعت است. کمیته‌ای نیز ناظر بر حسن مصرف این وام‌هاست تا اعتبارات اعطایی باعث خودکفا شدن وام‌گیرندگان شود. این کمیته از روش‌های نظارتی و هدایتی خود برای تحقق این هدف استفاده می‌کند.

در قرآن کریم، درخصوص «احسان» و «محسنین» چنین آمده است:

سورهی بقره، آیهی ۱۱۲

ترجمه آیه: آری، هر کس که خود را با تمام وجود، به خدا تسلیم کند و نیکوکار باشد، پس مزد وی پیش پروردگار اوست، و بیمی بر آنان نیست، و غمگین نخواهند شد.

«حق این است که هر کس روی دل به سوی خدا نهد و نیکوکار باشد، پاداشش نزد پروردگارش محفوظ است و نه بیمی بر اوست و نه اندوهگین می‌شود.»

این آیه نشانگر آن است که بهشت، پاداش خداوند و نیل به سعادت جاودان در انحصار هیچ طایفه‌ای نیست، بلکه از آن کسانی است که واجد دو شرط باشند:

در مرحله‌ی اول، تسلیم محض در مقابل فرمان حق و ترک تبعیض در احکام الهی. چنان نباشد که هر دستوری که موافق منافعشان است، بپذیرند و هر چه مخالف آن باشد، پشت سر اندازند. آن‌ها به‌طور کامل تسلیم حق‌اند.

در مرحله‌ی بعد، آثار این ایمان در عمل آن‌ها به صورت انجام کار نیک منعکس می‌شود. آن‌ها نیکوکارند نسبت به همگان و در تمام برنامه‌ها.

در حقیقت قرآن با این بیان، نژادپرستی و تعصب‌های نابجا را به‌طور کلی طرد می‌کند و سعادت و خوشبختی را از انحصار یک طایفه‌ی خاص بیرون می‌آورد. ضمناً معیار رستگاری، ایمان و عمل صالح است. با توجه به آموزه‌های قرآن، احسان نه تنها منحصر به طایفه، گروه و نژاد خاصی نیست، بلکه در هر شرایطی مالی و زمانی می‌توان به این کار اهتمام ورزید.

سورهی آل عمران، آیهی ۱۳۴

ترجمه آیه: همانان که در فراخی و تنگی انفاق می‌کنند، و خشم خود را فرو می‌برند، و از مردم درمی‌گذرند، و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

«کسانی که در راحت و رنج انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌خورند و از مردمان در می‌گذرند، و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.»

آن‌ها با این عمل ثابت می‌کنند که روح کمک به دیگران و نیکوکاری در جان آن‌ها نفوذ کرده است و به همین دلیل، تحت هر شرایطی به این کار دست می‌زنند. روشن است که انفاق در حال وسعت (مالی)، به تنهایی نشانه‌ی نفوذ کامل صفت عالی سخاوت در اعماق روح انسان نیست. اما آن‌ها که در همه حال، به کمک و بخشش اقدام می‌کنند، نشان می‌دهند که این صفت در آن‌ها ریشه دارد. ممکن است گفته شود در حال تنگدستی چگونه می‌توان انفاق کرد؟ پاسخ این سؤال روشن است. اولاً افراد تنگدست نیز به مقدار توانایی می‌توانند در راه کمک به دیگران انفاق کنند. ثانیاً انفاق منحصر به مال و ثروت نیست، بلکه هرگونه موهبت خدا داده‌ای را

شامل می‌شود؛ خواه مال و ثروت باشد یا علم و دانش یا مواهب دیگر. به این ترتیب خداوند می‌خواهد روح گذشت، فداکاری و سخاوت را در نفوس مستمندان جای دهد تا از رذایل اخلاقی فراوانی که از «بخل» سرچشمه می‌گیرد، بر کنار بمانند.

سورهی یونس، آیهی ۲۶

ترجمه آیه: برای کسانی که کار نیکو کرده‌اند، نیکویی [بهشت] و زیاده [بر آن] است. چهره‌هایشان را غباری و ذلتی نمی‌پوشاند. اینان اهل بهشتند [و] در آن جاودانه خواهند بود.

«برای نیکوکاران بهشت و نعمتی افزون‌تر هست؛ و بر چهره‌ی آنان غبار [رنج] و خواری ننشیند؛ اینان بهشتیان‌اند و در آن جاودان‌اند.»

در روایات ائمه (علیهم‌السلام) نقل شده است که «نیکوکاران در آن روز چهره‌های درخشانی دارند و تاریکی و ذلت، صورت آن‌ها را نمی‌پوشاند.» در پایان آیه می‌فرماید: «این گروه یاران بهشت‌اند و جاودانه در آن خواهند ماند.»

چه پیروزی از این بالاتر که انسان احسان کند. آفریدگار و معبود و مولایش از او خوشنود شود و کارنامه‌ی قبولی او را امضا کند؟ چه پیروزی از این بالاتر که با اعمال محدودی در چند روز عمر فانی، به مواهب بی‌پایان ابدی دست یابد؟

سورهی الرحمن، آیهی ۶۰

ترجمه آیه: مگر پاداش احسان جز احسان است؟

«آیا جزای نیکوکاران جز نیکوکاری است؟»

آیا آن‌ها که در دنیا کار نیک کرده‌اند، جز پاداش نیک الهی انتظاری درباره‌ی آن‌ها می‌رود؟

در حدیثی از امام صادق (ع)، ایشان می‌فرماید: «آیه‌ای در قرآن آمده است که عمومیت و شمول کامل دارد. راوی می‌گوید: عرض کردم کدام آیه است؟ فرمود خداوند متعال می‌فرماید: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» که درباره‌ی کافر، مؤمن، نیکوکار و بدکار جاری می‌شود «که پاسخ نیکی را باید به نیکي داد.» هر کس به او نیکي شود، باید جبران کند و راه جبران این نیست که به اندازه‌ی او نیکي کنی، بلکه باید بیش از آن باشد. زیرا اگر همانند آن باشد، نیکي او برتر است؛ چرا که او آغازگر بوده است. بنابراین پاداش الهی در قیامت نیز بیش از عمل انسان در دنیا خواهد بود؛ طبق همان استدلالی که امام در حدیث فوق فرموده است.

راغب در «مفردات» می‌گوید: «احسان چیزی برتر از عدالت است. زیرا عدالت آن است که انسان آن چه بر عهده‌ی اوست، بدهد، و آن چه متعلق به اوست، بگیرد. ولی احسان این است که انسان بیش از آن چه وظیفه‌ی اوست انجام دهد و کمتر از آن چه حق اوست، بگیرد.»



ایران «روز ملی حمایت از حقوق مصرف‌کننده» نام نهاده شده است. مقاله‌ی حاضر در پی آن است که پس از بیان تاریخچه‌ای از حقوق مصرف‌کننده، ضرورت وجود قانون حقوق مصرف‌کننده و چگونگی اجرای آن ران بیان کند.

حقوق مصرف‌کننده یعنی مجموعه‌ی اختیارات و امتیازاتی که مصرف‌کننده در قبال عمل خرید یک کالا یا خدمات از فروشنده دریافت می‌کند تا در صورت بروز اشکال، معلوم شدن عیب و نقص، احراز ضرر و زیان، عدم کارایی و ثمربخشی و یا ایراد خسارت، برای جبران ضرر خود از آن استفاده کند.

تاریخچه‌ی حقوق مصرف‌کننده

در کتب اقتصادی آمده است، در سال ۱۹۶۲، حقوقی تحت عنوان حقوق مصرف‌کننده، با سخن‌رانی جان اف کندی رییس جمهور وقت آمریکا، به رسمیت شناخته می‌شود. کندی در آن سخن‌رانی، لزوم قانون‌گذاری جدید و اقدام هماهنگ را خاطر‌نشان ساخت و چهار حق را به عنوان حداقل برای مصرف‌کننده به رسمیت شناخت:

۱. حق برخورداری از ایمنی؛

۲. حق برخورداری از اطلاعات کامل؛

۳. حق برخورداری از حمایت دولت؛

۴. حق انتخاب [امیدی، ۱۳۷۴: ۱۴-۱۲].

اما پیش از وی در حدود یک‌هزار و صد سال قبل، پیامبر عظیم‌الشأن اسلام، با قانونی تحت عنوان «ممنوعیت غش در معامله»، عملاً حقوقی را برای حمایت از مصرف‌کننده وضع فرمودند.

ضرورت و چگونگی عملکرد «حقوق مصرف‌کننده»

نظام حقوقی باید مؤثرترین سلاح برای موفقیت برنامه‌ریزی دولت باشد. بدون یک نظام قانون‌گذاری و اجرایی صحیح و با انضباط، زیباترین شکل برنامه‌ریزی به زشت‌ترین آن مبدل خواهد شد.

«مصرف» از نظر اقتصادی هدف نهایی تولید و توزیع است؛ چنان‌که به تولیدات و چگونگی تخصیص منابع تولید و توزیع شکل می‌دهد و در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی نقش چشم‌گیری ایفا می‌کند. درنگاه اقتصادی، مصرف آن‌جا که همراه تولید و شاخص توان اقتصادی جامعه باشد، شرط بقای واحدهای تولید محسوب می‌شود. اقتصاددانان بر این باورند که مصرف آخرین مرحله‌ی فرایند اقتصادی است و مصرف‌کننده به عنوان فاعل و عامل مصرف، کسی است که از محصولات تولیدی انسان که منبعث از خواسته‌ها و نیازهای اوست و به صورت کالا و خدمات ارائه می‌شود، بهره‌برداری می‌کند. بنابراین، همه‌ی فعالیت‌های اقتصادی بر مبنای برآورده کردن نیازها و جلب رضایت مصرف‌کننده شکل می‌گیرند.

احسان و انفاق سازنده‌ی انسان و تقویت‌کننده‌ی روحیه‌ی از خودگذشتگی و مقدمه و مهیا کننده‌ی فضیلت ایثار در وی است. به علاوه، احساس تعاون، هم‌یاری و هم‌گرایی را در او برمی‌انگیزد که بسیار ارزشمند است و هر کس را یارای مبادرت به آن نیست و عزمی قوی، انگیزه‌ای خداخواهانه و اندیشه‌ای حقیقت‌بین می‌طلبد. در میان ما شیعیان، مولای متقیان، امیرالمؤمنین علی (ع) و خانواده‌ی گرامی ایشان، برترین اسوه‌ی احسان و ایثار هستند که با وجود روزهداری، قوت روزانه‌ی خویش را به مسکین و یتیم و اسیر می‌بخشند.

نتیجه این‌که احسان و ایثار، تعالی روح فاعل آن را نشان می‌دهد. محسن و نیکوکار، کسی است که واجد کمالات اخلاقی است و در راه بسط عدالت نیز می‌کوشد و به حسب شرایط اجتماعی، فراتر از وظیفه‌ی دینی و میهنی خویش، پا در دایره‌ی ایثار، انفاق، امداد و احسان می‌گذارد. اگر او معتقد به عدالت اجتماعی نبود، هرگز انگیزه‌ی هم‌یاری و نیکوکاری در وجودش پدید نمی‌آمد و فقط به رفاه و گذران زندگی خویش می‌اندیشید.

همان‌گونه که مشاهده شد، روز احسان و نیکوکاری دارای ریشه‌های عمیق فطری و دینی است. اما به نظر می‌رسد در شرایط ایران اسلامی می‌باید با رویکرد جدیدی به این مسائل پرداخت و با بستر قرار دادن خدمات اجتماعی برنامه‌ریزی شده برای تمامی کسانی که محقق هستند، عدالت اجتماعی و اقتصادی بیشتر و برنامه‌ریزی‌تر شده فراهم شود. الگوی کمیته‌ی امداد امام خمینی الگوی بسیار موفق خدمات اجتماعی بوده است، اما اکنون زمان آن فرارسیده است که این الگو با آن زیرساخت‌ها، باز تولید شود و متناسب با شرایط اجتماعی امروزین جامعه‌ی ما سامان یابد.

مردمی بودن، دینی بودن و نهادی عمل کردن در این الگوی جدید باید سازمان یافته‌تر و خصوصاً نقش نوجوانان، جوانان و دانش‌آموزان در این بستر پررنگ‌تر شود. زیرا آموزه‌های دینی ما بر این نکته تأکید دارند و انتظار می‌رود که احسان و نیکوکاری در همه‌ی ابعاد اجتماعی و فرهنگی زندگی نوجوانان، جوانان و دانش‌آموزان ما رسوخ کند.

روز ملی حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مقدمه

تولید و توزیع انبوه کالاها، ایجاد و توسعه‌ی فروشگاه‌های بزرگ و زنجیره‌ای، توسعه‌ی تبلیغات، فراهم آمدن امکان تحصیل اعتبار، برنامه‌ریزی سرمایه‌داری برای وادار کردن مصرف‌کنندگان به آن‌چه خود می‌خواهد، و پیچیدگی نظام تولید و مصرف ضرورت حمایت از حقوق مصرف‌کننده را بیش از پیش آشکار می‌کند. حمایت از حقوق مصرف‌کننده، به منزله‌ی حمایت از شأن و منزلت اجتماعی افراد است. بدین مناسبت، روز نهم اسفند در کشور جمهوری اسلامی

«امروزه به دلیل تنوع نیازها و تخصصی‌شدن مشاغل، مصرف از کالای ارائه شده توسط دیگران و بازار، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است که اختلال در این امر زیان‌های بسیاری را متوجه مصرف‌کننده می‌کند. تنوع محصولات با توجه به نظریه‌ی جهانی شدن اقتصاد، خطر ناشی از مصرف کالاهای نامرغوب و ناآشنا را از مرزهای ملی نیز می‌گذراند. بی‌گمان عدالت اجتماعی و حفظ حقوق اولیه‌ی شهروندان ایجاب می‌کند، برای جلوگیری از رخداد چنین حوادث و معضلاتی تدابیر لازم اندیشیده شود. در یک بستر سالم اقتصادی، حمایت از حقوق مصرف‌کننده، حمایت از تولیدکننده را هم در پی خواهد داشت. حقوق دانان با الهام از تعریفی که در علم اقتصادی آمده است، به تبیین حقوق مصرف‌کننده پرداخته‌اند. اولین تعریفی که در این زمینه مورد توجه واقع می‌شود، توسط «کمیسون بازنگری حقوق مصرف‌کننده» ارائه شده است: مصرف‌کنندگان، اشخاصی حقیقی یا حقوقی هستند که برای کاربرد غیرحرفه‌ای، اموال یا خدماتی را برای خود تهیه می‌کنند یا مورد استفاده قرار می‌دهند [حسین‌آبادی، ۱۳۸۱: ۱۲].

«به موجب اصل سوم قانون اساسی، پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه طبق ضوابط اسلامی، یکی از وظایف دولت شمرده شده است. بنابراین دولت با انجام برنامه‌ریزی درست اقتصادی و لحاظ‌کردن حقوق تمام عوامل درگیر در فرایندهای اقتصادی، می‌تواند زمینه‌ی لازم را برای برقراری عدالت اجتماعی فراهم سازد. یکی از راهکارهای برقراری عدالت اجتماعی، همانا حمایت از حقوق مصرف‌کننده است» [کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۸۳]. تلاش‌هایی که در کشور ایران در دو دهه‌ی اخیر برای حمایت از حقوق مصرف‌کننده شده است، حول سه محور صورت گرفته‌اند:

- دادن اطلاعات کامل به مصرف‌کننده قبل از ورود به بازار و آگاهی از مؤلفه‌های مختلف تولید و عرضه‌ی کالا و خدمات.
- فراهم کردن امکانات انتخاب و افزایش قدرت انتخاب و دستیابی به کالا و خدمات مورد تقاضای مصرف‌کننده.
- حمایت جدی دولت از مصرف‌کننده در تحقق دو مرحله‌ی قبل و برخورد با تخلفات صاحبان واحدهای صنفی (تولیدکننده و عرضه‌کننده) توسط دولت.

به‌طور کلی لایحه‌ی حمایت از حقوق مصرف‌کننده شامل موارد زیر است:

- حق به دست آوردن کالاها و خدمات با کیفیت سالم و استاندارد.
- حق برخورداری از اطلاعات لازم در مورد کالاها و خدمات، از قبیل تاریخ تولید و مصرف، کاتالوگ، فهرست بها و...
- حق برخورداری از حمایت دولت در صورت وقوع برخی تخلفات از سوی صاحبان واحدهای صنفی (مثل ارائه‌ی کالا به قیمت نامناسب، افت کیفیت، رعایت نکردن استاندارد و...).
- حق دریافت کالا و خدمات بهداشتی سالم.
- حق شکایت از متخلفان اقتصادی به مراجع ذی‌ربط.

«با تصویب کلیات این لایحه، همه‌ی عرضه‌کنندگان کالا و خدمات مطابق ضوابط مندرج در قانون دو برابر خسارات وارد شده به مصرف‌کننده مسئولیت خواهند داشت. طبقه لایحه، چنان‌چه عیوبی در کالا وجود داشته و عرضه‌کننده از آن آگاه باشد، علاوه بر جبران خسارت مصرف‌کننده، به مجازات نیز محکوم خواهد شد. همچنین، با تصویب این لایحه، عرضه‌کنندگان کالاها و خدمات موظف خواهند شد، اطلاعاتی را که در بردارنده‌ی مدت و نوع ضمانت است، به همراه صورت‌حساب فروش به مصرف‌کنندگان ارائه کنند. همچنین، در کلیات این لایحه‌ی مصوب، ممنوعیت عرضه‌ی تمام کالاهای خارجی و داخلی فاقد نمایندگی و خدمات پس از فروش پیش‌بینی شده است. به علاوه در این لایحه پیش‌بینی شده است، واحدهای تولیدی که نسبت به پیش‌فروش کالا در بازار داخلی اقدام می‌کنند، موظف خواهند بود زمان تحویل، مشخصات کامل کالای پیش‌فروش شده، اعم از رنگ، فرم، ظاهر، و قطعات به کار رفته را به مشتری اعلام کنند. امید است با به کارگیری این لایحه و حمایت از مصرف‌کنندگان، بیش از پیش زمینه‌های تحقق عدالت اجتماعی فراهم شود» [حمایت از ...، ۱۳۸۲].

جمع‌بندی

بحث حقوق مصرف‌کننده در مورد کالا و خدمات، طیف وسیعی از مجموعه اقداماتی است که ناظر بر مسائل کمی و کیفی تولید، توزیع، اطلاع‌رسانی، خدمات پس از فروش و رسیدگی به نظرات، پیشنهادات و انتقادات مردم هستند. هر یک از موارد فوق که به اجمال در این مقاله ذکر شد، لازمه‌ی رعایت حقوق مصرف‌کنندگان است. در حال حاضر این امر در کشور از سوی دستگاه‌های متفاوت اجرایی، کنترلی، نظارتی و در نهایت قضایی در حال اجراست. علاوه بر وضع قوانین و مقررات در راستای کنترل و حمایت از حقوق مصرف‌کننده، دولت تلاش دارد تا با رواج فرهنگ رعایت حقوق مصرف‌کنندگان در جامعه، به تحقق این امر کمک کند. راهکارهای تشویقی هم‌چون اعطای تندیس و گواهی‌نامه‌ی رعایت حقوق مصرف‌کنندگان، تدابیری هستند که برای این مهم طراحی شده‌اند.*

پی‌نوشت

* این مقاله برگرفته از وبگاه «Pajoohe.com» است.

منابع

۱. امیدی، مهرانگیر. نگاهی به حقوق مصرف‌کننده. سازمان برنامه و بودجه. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۴.
۲. فرشاد یکتا، محسن. مفهوم حقوق اقتصادی در ایران. مدرسه عالی بازرگانی. تهران. چاپ اول. ۱۳۵۶. صفحات الف و ب.
۳. حسین‌آبادی، امیر. «حقوق مصرف‌کننده». ماه‌نامه‌ی اطلاع‌رسانی (معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، سال اول، دی ماه ۱۳۸۱، شماره‌ی ۳).
۴. کاتوزیان، ناصر. حقوق مدنی (نظریه‌ی عمومی تعهدات). یلدا. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۴.
۵. «حمایت از حقوق مصرف‌کننده». نشریه‌ی اطلاعات. شماره‌ی ۱۴. ۱۳۸۲.